پس ایمان، اعتماد بر چیزهای امید داشته شده است و برهان چیزهای نادیده.

عبرانیان ۱۱: ۱

شالودهٔ ایمان

اگر بخواهیم ایمانمان شالوده محکمی داشته باشد، باید در میان تمام شک و تردیدهای احتمالی به این ایمان داشته باشیم که خداوند شایسته اعتماد ما است.

تا زمانی که بخواهیم حکمت موجود در راه‌های خداوند را زیر سوال ببریم، ایمانمان بر اساس تجربیات و ناپایدار خواهد بود. زمانی که بتوانیم چیزی را کاملاً متوجه شویم، دیگر ایمان داشتن معنایی ندارد. ایمان زمانی خود را نمایان می‌کند که دلایل و مدارکی برای تأیید کلام خداوند درباره وعده‌هایش وجود نداشته باشد. در آن زمان است که ما باید با چشمانی بسته به شخصیتِ کسی اعتماد کنیم که آن وعده‌ها را داده است ...

به یاد داشته باشید که ایمان، یک کیفیت فوق‌العاده نیست که تنها در انسان‌ها برتر وجود داشته باشد؛ و فضیلتی نیست که به صورت محدود برای تعدادی اندک در دسترس باشد. ایمان، داشتن توانایی متقاعد کردن خودمان مبنی بر پذیرفتن سفیدی به جای سیاهی نیست؛ یا اینکه تنها اگر به اندازه کافی و با جدیت چیزی را بخواهیم، قطعاً محقق خواهد شد. ایمان، همراه ساختن تمام ذهنمان با حقیقت است. ایمان، تنظیم کردن انتظاراتمان با وعده‌های خداوند است؛ به صورتی که اطمینان کامل داشته باشیم خداوندِ تمامِ هستی، نمی‌تواند دروغ بگوید...

یک وعده به اندازهٔ شخصی که آن وعده را می‌دهد خوب و قابل اعتماد است. ما به نیکویی خداوند ایمان داریم و همین دانش باعث اطمینان ما می‌شود. هر چه بیشتر در شخصیت خداوند کنکاش کنیم، به همان اندازه اعتماد و ایمانمان هم قوی‌تر می‌شود.

## خداوندا! هر چه بیشتر تو را می‌شناسم، دلایلم برای اعتماد به تو و وعده‌هایت بیشتر می‌شود. به خاطر شالودهٔ محکمی که برای ایمانم قرار دادی سپاسگزارم.

*برگرفته از آثار W. A. Tozer*